

نگاهی حقوقی به حضانت اطفال

امیرحسین صفدری^۱، امیرتاج الدین^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی، حقوق، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شاندیز، مشهد

^۲ دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد مشهد

چکیده

حضانت در لغت به معنای پروردن و پروراندن است. ریشه این واژه، حَضُن است که در آغوش گرفتن مادر (فرزندش را) و چسباندن او به سینه اش اطلاق می شود، که کنایه از نگهداری و تربیت جسمی و روحی کودک است. حضانت نوعی ولایت و سلطنت بر کودک و مجنون به منظور نگهداری و تربیت آنهاست. این امر از حقوق و تکالیف والدین به شمار می رود. موضوع حضانت از مباحث پیچیده حقوق خانواده است. حضانت نگهداری و تربیت اطفال است به گونه ای که صحت جسمانی و تربیت وی با توجه به نیازمندی های حال و آینده او، و وضع و موقعیت والدین طفل تأمین می گردد. مسأله حضانت و اولویت هریک از پدر و مادر برای نگهداری و سرپرستی و ملاقات آنان با طفل زمانی مطرح است که آنها از هم جدا میشوند. در قانون ایران حضانت همان نگهداری و تربیت اطفال است و مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی اختصاص به حضانت دارد. و در قانون حمایت از خانواده هم از ماده ۴۰ تا ۴۷ اختصاص داده شده. هنگامی که اساس خانواده به هم می ریزد و کانون جوشان مهر و محبت به جایگاهی برای گروکشی و انتقام گیری از یکدیگر تبدیل می گردد، یا زمانی که مرگ گریبان یکی از والدین را می گیرد، مهمترین چالش پیش روی خانواده سرنوشت کودکان می باشد. حضانت در درجه اول حق و تکلیف طبیعی و قانونی پدر و مادر است که طفل را به دنیا آورده اند، این تکلیف تا زمانی طفل به سن بلوغ نرسیده باقی است. حضانت را باید به کسی واگذار کرد که شایستگی و توانایی برای انجام این کار را داشته باشد

واژه های کلیدی: حضانت، اطفال، والدین، حقوق

۱. مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمولترین نهاد اجتماعی است (اعزاز، ۱۳۸۷). صاحب نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (عظیمی رستا، ۱۳۹۲). هیچ جامعه ای بدون داشتن خانواده سالم نمی تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی بی تاثیر از خانواده پدید نیامده اند (افکاری، ۱۳۹۲). حضانت به معنای نگهداری چیزی می باشد. حضانت یکی از مسائل مهم فقهی، حقوقی و اجتماعی است که اجرای درست یا نادرست آن در آینده کودکان تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا کودکان به نگهداری، تعلیم، تربیت و حراست خاصی نیازمندند و تا زمانی که والدین زندگی مشترک را با هم ادامه می دهند برای کودکان مشکل خاصی وجود ندارد بلکه مشکلات اصلی، اضطراب و دلگرانی ها بعد از طلاق و جدایی مطرح می شود. مساله حضانت نیز جز مسائلی است که بلافاصله بعد از طلاق والدین مطرح میشود. اساساً مادران در رابطه با کودکان خود دو حق قانونی و شرعی دارند: حق رضاع (شیر دادن) و حق حضانت (پرورش کودک). به موجب اطلاق آیه: "لا تضار والده بولدها" (بقره؛ آیه ۲۳۳) نیاستی مادران از هرگونه حقی که درباره فرزندان خود دارند محروم و مورد رنجش قرار گیرند. اگر چه قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ ماده ۱۶۹ بیان می کرد حضانت فرزند پسر تا ۲ سالگی و دختر تا ۷ سالگی به مادر سپرده شده و پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است اما با اصلاحیه مصوب سال ۸۲ که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسید، برای حضانت و نگهداری طفل که پدر و مادر او از یکدیگر جدا شده اند، مادر تا ۷ سالگی (پسر یا دختر فرقی ندارد) اولویت دارد و پس از آن با پدر است البته این تبصره هم به اصلاحیه افزوده شده است که پس از ۷ سالگی هم در صورتی که میان پدر و مادر درباره حضانت اختلاف باشد، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک و به تشخیص دادگاه است.

۲- مبانی و چهارچوب نظری

۱-۲- تعریف حضانت

به عقیده برخی از حقوقدانان حضانت عبارت است از: «اقتداری که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۲). حضانت یا نگهداری اطفال، حق و تکلیفی است که پدر یا مادر نسبت به طفل خود دارند (شایگان، ۱۳۳۹). حضانت عبارتست از ولایت و سلطنت بر تربیت و متعلقات آن از قبیل نگهداری کودک، گذاردن او در بستر، سرمه کشیدن، پاکیزه کردن و ... می باشد (امامی و صفایی، ۱۳۹۵).

۲-۲- حضانت از نگاه فقه

شهید ثانی در تعریف حضانت می گوید: حضانت به فتح حا، سرپرستی بر طفل و دیوانه و انجام آنچه که به مصلحت وی است از قبیل نگهداری و گذاردن در رختخواب و برداشتن و شستن لباس او و مانند آن می باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق). مشهور فقها معتقدند که از ناحیه مادر، «حضانت» تکلیف نیست بلکه صرفاً حق است. علاوه بر این که، تکلیفی بودن عمل آثار و نتایجی از قبیل عدم جواز امتناع، جواز اجبار بر عمل، عدم جواز انتقال و واگذاری را در پی دارد که فقها به این نتایج ملتزم نشده اند. (الخوانساری، الطوسی، السبزواری، الطباطبایی و...).

شیخ صدوق براساس نقل علامه حلی عقیده دارد: که حق حضانت به طور مطلق تا زمانی که مادر، شوهر نکرده، با وی است و مستند رای خود را نیز این روایت دانسته است: «سالت ابا عبدالله(ع) عن رجل طلق امراته و بینهما ولد، ایهما احق به؟ قال: المرأة ما لم تتزوج». یعنی از امام صادق(ع) سوال کردم که اگر مردی زنش را طلاق دهد و دارای فرزند نیز باشند، کدام یک حق حضانت دارد؟ امام فرمودند: تا زمانی که زن، شوهر نکرده، مقدم بر پدر است. (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه).

۳-۲- بررسی حضانت فرزند توسط مادر

مادران عموماً و مادران جامعه ایرانی خصوصاً دارای عواطف و دلبستگی شدید عاطفی به فرزند می باشند و دلبستگی ها و نگرانی های خاصی نسبت به فرزند و به خصوص فرزندان خردسال خود دارند. در این راستا در مواقع کشمکش های درونی خانواده و زمانی که در مورد زندگی زناشویی خود با همسر به بن بست می رسند، وقتی پای کودکی در میان باشد، عمدتاً و اکثریت زنان به خاطر فرزندانشان ناملایمات زندگی زناشویی را تحمل می کنند و دم از جدایی نمی زنند و در واقع به خاطر فرزند می سوزند و می سازند؛ به خصوص اگر بدانند در اثر جدایی، فرزند تحویل پدر میشود. در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی سابق در صورتی که پدر و مادر زندگی مشترکی نداشتند، فرزند پسر تا ۲ سالگی و فرزند دختر تا ۷ سالگی نزد مادر میماند و پس از آن پدر میتواند فرزند را از مادر تحویل بگیرد. البته دختر در صورت رسیدن به سن ۹ سالگی و پسر در صورت رسیدن به سن ۱۵ سالگی از حضانت خارج شده و شخصاً تصمیم می گیرند که در نزد کدام یک از والدین خود یا حتی شخص ثالثی از بستگان خود زندگی نمایند. گرفتاری مادران در گرفتن حضانت فرزند در صورت جدایی بیشتر در مورد فرزند پسر اتفاق می افتاد که در سن طفولیت و پس از دوره شیرخوارگی باید مادر حضانت وی را به پدر می سپرد. اکنون با اصلاح ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید نهایی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام حضانت فرزندان چه پسر و چه دختر تا ۷ سالگی به عهده مادر گذاشته شده است و پس از آن نیز که حضانت باید به پدر واگذار شود، صلاح دید دادگاه با رعایت مصلحت طفل لازم است و ممکن است دادگاه پس از آن نیز فرزند را به پدر واگذار ننماید.

۴-۲- موانع یا موارد سقوط حق حضانت

مواردی که می توان پدر یا مادر را از حق حضانت محروم کرد:

الف - جنون: حق حضانت برای هر یک از مادر و پدر در صورتی است که قدرت اعمال آن را داشته باشد. بنابراین هرگاه در مدتی که مادر حق حضانت طفل را دارد دیوانه شود، چون قادر به نگهداری و تربیت طفل نیست و چه بسا او را در وضعیت خطرناکی قرار دهد، حق حضانت مادر، ساقط می شود و پدر این حق را خواهد داشت. جنون پدر نیز در حکم جنون مادر است و در این صورت حضانت طفل تا سن بلوغ بر عهده مادر می باشد.

ب - ازدواج مجدد: هرگاه پس از طلاق، مطابق قانون، مادر عهده دار حضانت طفل خود باشد و در این دوره، شوهر دیگری انتخاب کند، مطابق ماده ۱۱۷۰ ق.م. حق حضانت او ساقط می شود و حضانت با پدر خواهد بود. به عبارت دیگر شوهر کردن مادر حق تقدم او را نسبت به پدر از بین می برد، اما در صورت فوت پدر، حضانت در هر حال با مادر و سقوط حق حضانت مادر در صورت حیات پدر است. و برخی عقیده دارند که قانون از این جهت ناقص است که ازدواج مجدد پدر طفل را موجب سقوط حق حضانت از طفل نمی داند، حال آنکه رفتار نامادری با طفل نیز ممکن است سلامت و تربیت طفل را به خطر اندازد. هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا مدعی العموم (دادستان) هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. (امامی، صفایی ۱۳۹۵).

۵-۲- شرایط حضانت در حقوق امروزه ایران

بلوغ: بدیهی است که شخص نابالغ که خود نیاز به نگهداری دارد نمی تواند عهده دار حضانت شود.

عقل: کسی که نگاهداری طفل به او واگذاری شود باید عاقل باشد.

توانایی عمل: در این مورد نص صریحی در قانون دیده نمی شود. لیکن بدیهی است که نمی توان حضانت به کسی که توانایی انجام آن را ندارد محول نمود. این نکته در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی می توان استنباط کرد.

شایستگی اخلاقی: درباره این شرط نیز قانون گذار به صراحت سخن نگفته لیکن می توان لزوم آن را از ماده ۱۱۷۳ فهمید.

عدم ازدواج مادر با شخص دیگر: برابر ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی که مبتنی بر فقه امامیه است. (امامی، صفایی ۱۳۹۵).

۶-۲- اجرت حضانت

هزینه خوراک و پوشاک کودک، جزء نفقات به شمار می رود و احکام نفقه بر آن بار است. در موردی که مادر نگهداری کودک را به عهده دارد، فقها گفته اند هزینه خوراک و پوشاک کودک، بر عهده پدر است. صاحب جواهر مینویسد: بدون هیچ خلاف و اشکالی، نفقه فرزند، پسر باشد یا دختر، بر عهده پدر است، هر چند مادر فرزند ثروتمند باشد، به دلیل آیه کریمه *فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ (طلاق/۶)* در قانون مدنی ایران ماده ۱۱۷۲ هم به این نکته، اشاره شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۲). فقهای اهل سنت هم، به این نکته اشاره روشن دارند: سرپرست و نگهدارنده، چه مادر باشد، یا غیر مادر می تواند هزینه زندگی کودک را در زمان معینی، برابر نظر حاکم و مراعات حال پدر، دریافت کند و پدر حق ندارد به سرپرست و نگهدارنده بگوید: او را نزد من بفرست تا غذا بخورد و برگردد. چون این کار، به کودک زیان می رساند (زحیلی، ۱۴۱۸). اما آیا مادر می تواند برای نگهداری و زحمتی که نسبت به حضانت فرزند متحمل میشود جدای از نفقه فرزند، اجرت حضانت را مطالبه کند؟ قانون مدنی در این باره حکمی ندارد بلکه در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی آمده است که در صورت فوت پدر، حضانت به خرج مادر خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۲).

۷-۲- مسئولیت های ناشی از حضانت

مسئولیت حقوقی در برابر کودک: حضانت کودک تنها حق پدر و مادر نیست؛ نوعی وظیفه اخلاقی و اجتماعی نیز هست. پس، اگر کودک به علت حضانت بد و عدم توجه صدمه ای ببیند فردی که حضانت او را قبول کرده است، مسئول خسارات خواهد بود.

مسئولین مدنی در برابر دیگران: فرد حضانت کننده مسئول تمامی خساراتی است که از سوی فرزندان آنان به دیگران وارد میگردد. به استناد قانون کسی که حضانت را بر عهده دارد بر مبنای تقصیر در نگهداری و تربیت آن می توان مطالبه خسارت نمود.

مسئولیت تضامنی پدر و مادر: تمامی مسئولیت های ناشی از تکلیف مربوط به نگهداری و مراقبت بر عهده حضانت کننده بوده و مسئول زیان اشخاص ثالث می باشد.^۱

۸-۲- حضانت حق است یا تکلیف ابوینی

به دستور ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.» بدین جهت است که ماده ۱۱۷۵ همان قانون می فرماید: «طفل را نمی توان از ابوین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی» با توجه به مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹ و ۱۱۷۲ قانون مدنی، حضانت هم حق است و هم تکلیف. با استنباط از ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی، حق حضانت برای پدر و مادر به صورت تکلیف وجود دارد، به طوری که اگر احدی از آنها در مدتی که قانوناً حضانت با او می باشد از ایفای امور مربوط به حضانت امتناع نماید دادگاه او را ملزم به ایفای تکلیف خود خواهد کرد. بنابراین هیچ یک از پدر و مادر نمی توانند آن را ساقط یا واگذار به غیر کنند، بلکه باید شخصاً در مدت مقرر تکلیف قانونی خود را انجام دهند. در فقه امامیه در خصوص حق یا حکم بودن (تکلیف) حضانت دو نظر وجود دارد: «شهید ثانی در «قواعد» گفته است که حضانت، ولایت و سلطنت بر تربیت طفل است و آنچه مصلحت برای نگهداری او اقتضاء بنماید انجام می دهد. بنابراین نظر، ولایت در حضانت مانند ولایت های دیگر (ولایت ولی و ولایت حاکم) است که دارنده آن نمی تواند آن را ساقط نماید». عده ای دیگر بر آنند که حضانت حق ابوین است و آنان می توانند آن را ساقط کنند. قانون مدنی ایران بنابر آنچه از مجموع مواد یاد شده استنباط می شود از نظریه اول پیروی کرده است.

۹-۲- حضانت در مورد طفل خنثی

در قانون مدنی ایران در این خصوص حکم صریحی وجود ندارد و قانون در این باره ساکت است؛ ولیکن از وحدت ملاک ماده ۹۳۹ قانون مدنی در مبحث ارث می‌توان استفاده کرد که اگر علایم رجولیت او غالب باشد و یا علایم انوئیت او غلبه داشته باشد و هرگاه هیچ یک از علایم غالب نباشد با عنایت به ماده ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی که حضانت کودک را چه پسر و چه دختر تا رسیدن به هفت سالگی با مادر دانسته است، حضانت هر نوع طفل خنثی تا رسیدن به هفت سالگی مطلقاً با مادر است و پس از آن نیز با رعایت مصلحت وی تکلیف حضانت توسط دادگاه روشن خواهد شد.

۱۰-۲- حضانت فرزند ناشی از زنا (رابطه نامشروع)

در قانون مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه در این خصوص حکم صریحی وجود ندارد و قانون در این باره ساکت است، و فلسفه آن هم این است که شرع انور برای رابطه آزاد آثار حقوقی و اجتماعی قائل نیست. در قانون مدنی ماده ۱۱۶۷ مقرر داشته: «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود». که مراد از زانی هم مرد و هم زن زناکار است. با عنایت به تکلیف مقرر در ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بایستی در این خصوص به فقه پویای امامیه رجوع کرد.

حضرت امام در مسئله ۴۷ کتاب موازین قضایی می‌فرمایند: «متولد از زنا در نفقه و حضانت حکم سایر اولاد را دارد». **مرحوم آیت‌الله تبریزی (قدس سره)** در سؤال ۱۵۶۷ می‌فرمایند: «اگر بتوانند مادر را راضی کنند از بچه پرستاری کند تا بی سرپرست نماند و ضایع نشود، والا بر پدر وی لازم است از وی نگهداری کند، و در هر حال مابین ولدالزنا و پدر و مادر وی ارث برقرار نیست، ولی نفقه و احکام دیگر باقی است»

وفق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۱۷-۱۳۷۶/۴/۳، کلیه تکالیفی که بر عهده پدر شرعی می‌باشد در خصوص ولدالزنا به پدر عرفی (زانی) تسری دارد و وی ملزم و موظف به انفاق و اخذ شناسنامه و حضانت از طفل این چنینی است و صرفاً حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی موضوع توارث بین آنها منتفی است.^۲

بحث و نتیجه‌گیری

در نهایت به طور خلاصه می‌توان گفت که موضوع اصلی حضانت حمایت از منافع و مصالح کودک است. حضانت به معنای ولایت بر طفل و مجنون به جهت تربیت و نگهداری او می‌باشد. فلسفه و هدف اصلی از حضانت، نگهداشت مصلحت کودک است. نگه داری و تربیت طفل توسط کسانی است که قانون مقرر کرده است. حضانت هم حق والدین است و هم تکلیف آنان. مساله حضانت نیز جز مسائلی است که بلافاصله بعد از طلاق والدین مطرح می‌شود. پس از حل و فصل موضوع حضانت، بحث ملاقات طفل توسط یکی از والدین که دور از فرزند زندگی می‌کند پیش می‌آید، و همچنان مشکلات طلاق ادامه پیدا میکند. مسئله حضانت در قوانین حقوقی ایران و همچنین کشورهای دیگری چهره قضایی دارد و به حکم دادگاه صورت می‌گیرد و منافع طفل، موضوع اصلی پس از طلاق است و کلا هدف و مبنا در مورد قوانین حضانت، فقط حمایت از طفل است. طفل با توجه به نیازهای عاطفی که دارد بهتر است دوران کودکی خود را در کنار مادر باشد، اما نیاز کمبود پدر به صورت جدی برای طفل احساس می‌شود، حس داشتن پدر و مادر برای طفل بسیار مهم است و باعث اعتماد بنفس بالای کودک می‌شود تا بتواند

در جامعه بدون نگرانی زندگی کند، احساس دوری طفل از پدر یا مادر بسیار بسیار در روحیه و آینده او تاثیر می گذارد. طلاق همیشه آخرین راه نیست سعی کنیم زندگی را زندگی کنیم، تا در این میان کودکان مان آسیب نبینند.

قدردانی

با تشکر قدر دانی از زحمات صمیمانه ی پدر و مادرم عزیزم که در تهیه این مقاله مرا یاری نمودند.

مراجع

- ۱- افکاری، پریسا، مقایسه شیوه های فرزندپروری، عزت نفس و سلامت روان مادران کودکان دارای ناتوانی های یادگیری و مادران کودکان عادی، دولتی - وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری - دانشگاه محقق اردبیلی - دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، اردبیل، ص ۲، ۱۳۹۲.
- ۲- اعزازی، شهلا، خشونت خانوادگی، خشونت اجتماعی، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۷.
- ۳- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدا...، تابستان ۱۳۹۵، مختصر حقوق خانواده، چاپ ۴۴، نشر میزان.
- ۴- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲ ش)، حقوق مدنی (خانواده)، تهران: شرکت انتشار، ج ۲.
- ۵- شایگان، علی، حقوق مدنی، تهران، بی نا، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۳۹.
- ۶- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۵، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۷- زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی)، مسالک الافهام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۸، ص ۴۲۱.
- ۸- زحیلی، وهبه، (۱۴۱۸ ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دارالفکر، دمشق، ج ۷.
- ۹- علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۷، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۲، ابن فهد).
- ۱۰- السید احمد الخوانساری، جامع المدارک، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۴۷۲؛ محمد حسن الطوسی، المبسوط، المکتبه المرتضویه، ج ۶، ص ۳۷؛ السید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، مهذب الاحکام، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۵، ص ۲۸۲؛ السید علی الطباطبایی، ریاض المسائل، دار الهادی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۷، ص ۲۵۴. السید محمدحسن النجفی، جواهر الکلام، المکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ج ۳۱.
- ۱۱- عظیمی رستا، محمود، عابدزاد نوبریان، مهرناز، " بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده"، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، صص ۳۱-۴۶، سال سوم، شماره دهم، ۱۳۹۲.
- ۱۲- (نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ه).
- ۱۳- قرآن کریم.
- ۱۴- قانون مدنی.
- ۱۵- قانون آیین دادرسی مدنی.
- ۱۶- قانون حمایت از خانواده.